

فصل هشتم

گزارش دبیرکل و سخنرانیهای شخصیت‌های حزب در نخستین کنگره

اشاره:

مقارن با نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی عصر روز سه شنبه 62/02/20 بعثت فرخنده پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با تلاوت آیاتی از قرآن مجید با شرکت دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی، آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، منتخبین حزب جمهوری اسلامی سراسر کشور، اعضای هیات اجرایی حزب جمهوری اسلامی و با حضور میهمانان این کنگره شامل: حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی و اعضای شورای عالی قضایی، اعضای شورای نگهبان، چند تن از وزرا، جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، گروه زیادی از ائمه جمعه و جماعات کشورمان، استانداران، تعدادی از سفرا و کارداران کشورهای خارجی در جمهوری اسلامی ایران، خانواده های شهدا، تنی چند از مقامات لشگری و کشوری و گروهی از اقشار مختلف مردم در اردوگاه شهید باهنر تهران آغاز به کار کرد.

در آغاز برنامه نخستین روز کنگره برادر دکتر جاسبی رئیس ستاد برگزاری کنگره مطالبی را به شرح زیر به استحضار حضار رسانید:

ستاد برگزاری نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی ضمن خوش آمد گوئی به همه شرکت کنندگان برنامه نخستین روز کنگره را به شرح زیر اعلام می‌کند.

پس از اعلام برنامه اجرایی سرود کنگره، و سپس گزارش دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی به کنگره.

سپس اعلام تنفس برای نماز و در ادامه هیات رئیسه انتخاب خواهد شد و آئین نامه اداره کنگره بررسی و تصویب خواهد شد.

بعد از اعلام برنامه برادر دکتر جاسبی از دبیرکل حزب تقاضا کرد که تا تعیین هیات رئیسه ریاست جلسه را عهده‌دار شوند.

سپس به مناسبت افتتاح نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی سرود کنگره توسط گروه سرود کنگره حزب اجرا گردید. آنگاه دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی در نطق افتتاحیه این کنگره گزارش کار چهار ساله حزب جمهوری اسلامی را به شرح زیر ارائه فرمودند:

شرح اشتیاق

گزارش عملکرد چهارساله حزب جمهوری اسلامی از زبان دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن را با سپاس و ستایش خدای بزرگ و مهربان و درود بر بندگان برگزیده اش خصوصاً پیامبران الهی که پیام آوران حق و عدل و راستی و علم و حکمت بوده اند، به ویژه خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان بزرگوار عظیم القدر او که رهبران هدایت و برترین شهیدان راه حق و فضیلت اند، و سلام بر همه شهیدان اسلام به ویژه شهیدان انقلاب اسلامی ایران و همه نهضت های اسلامی اصیل در هر کجای جهان، آغاز می کنیم و کمک خدای را برای درست اندیشی و درست گوئی مسئلت می دارم، و بر شما عزیزان حاضر در این نشست بزرگ سلام می فرستم.

شما برگزیدگان و نخبگان حزب و شما همه برادران و خواهران شرکت کننده و میهمان، در مجمعی گرد آمده اید که در تاریخ اسلام بی همانند است، اعضا این مجمع عظیم از گروه های گوناگون سنی، صنفی، شغلی و فکری اند که پیوندی تشکیلاتی آنان را به یکدیگر می بندد و از سوی جمع بزرگی از مردم به اینجا آمده اند تا اصولی ترین مبانی برای حرکت شتابنده حزبی اسلامی و مردمی را شالوده ریزی کنند.

این نخستین بار است که چنین جمعی با چنان هدفی در یکجا گرد می آیند، این پدیده نیز همانند همه پدیده های بی سابقه انقلاب بزرگ ما باید از ثمرات و برکاتی شایسته و درخور، برخوردار گردد و در تاریخ همچون نقطه مثبت و قابل توجهی بماند.

مقرر است که از این فرصت کم نظیر برای بیان گزارشی نیز از عمر کوتاه حزب استفاده شود و گذشته ای که با فراز و نشیب ها و تلخی و شیرینی های بسیار همراه بوده و به راستی می توان در آن به چشم آئینه انقلاب در این چهار سال نگریست به اختصار باز نموده شود.

در اینجا شایسته می بینم از چهره منور و شخصیت والای شهید مظلوم آیت الله سید محمد بهشتی که به حق، سید شهیدان این انقلاب نام گرفته است، یاد کنم. این گزارش باید از او شنیده می شد و از زبان او در تاریخ می ماند، او که در لحظه لحظه عمر پر ماجرای این حزب از همه اخلاص و حلم و حکمت و درایت و هوش خدادادی برای رسیدن به آرمانهای حزب که همان هدف های انقلاب است، بهره می گرفت و او که ثلمه ناشی از فقدانش همچنان باقی است، رحمت بی پایان خدا بر او و بر همه شهیدان و مخلصان و تلاشگران و فداکاران باد.

تاریخچه مختصر تشکیل حزب

گزارش حزب را از زمان های دور آغاز می کنم، از تابستان سال 1356 که نخستین مقدمات پیدایش تشکلی اسلامی و مردمی به وسیله چند تن از معتقدان به لزوم چنین تشکلی فراهم می شد. در آن تابستان در جمعی پنج نفری که شهید بهشتی محور آن بود و شهید باهنر عضو دیگر آن، طرح چنان تشکلی ریخته شد، به پیشنهاد شهید بهشتی مقرر شد که اولین ملاک برای گزینش یاران «اخلاص» باشد و این براساس این باور بود که برای همکاری در راه آرمان های خدائی، بدون اخلاص، هیچ شرط دیگری مفید و موثر نیست. نام پارانی که از این شرط و شرایط دیگر برخوردار بودند ثبت شد و نخستین جلسه در یک صبح روشن پاییزی در تهران منزل شهید باهنر منعقد گشت و در آن جلسه و در جلسات متعدد بعد از آن، اساسی ترین مسائل مربوط به ایجاد یک تشکلی با خصوصیات مورد نظر مطرح و درباره آنها مباحثات لازم واقع شد.

در آن جمع کوچک دستیابی به یک فکر مورد اتفاق کار دشواری نبود زیرا این برادران، بخشی از عناصری بودند که از دیرباز یعنی دقیقاً از سال 1342 و هنگام شروع نهضت انقلابی عظیم ملت مسلمان به لزوم سازماندهی نیروهای مومن و مبارز معتقد بوده و برخی از آنان در این راه تجربیاتی نیز داشتند لیکن در اواخر پائیز همان سال هجوم عوامل رژیم پهلوی به دو حوزه علمیه قم و مشهد و بازداشت و تبعید عده ای از چهره های شناخته شده و مبارز که کسانی از جمع ما نیز در میان آنان بودند کار را دچار کندي و رکود کرد، هر چند که در دوران تبعید نیز ارتباطات میان اعضای آن جمع

کوچک به نحوی باقی ماند، لیکن حرکت مجدد هنگامی آغاز شد که رژیم، زیر فشار افکار عمومی و ضربات مبارزات مردمی مجبور شد در حدود آبان ماه 1357 تبعیدیان و زندانیان را به تدریج آزاد سازد. در نخستین جلسه پس از شروع مجدد کار که چهره‌های جدیدی از زندانیان آزاد شده آقای هاشمی رفسنجانی و تنی چند از دیگر شخصیت‌های انقلابی را نیز در خود داشت و در قم منعقد شده بود مقرر گشت که هفت نفر از برادران در تهران، مقدمات تشکیل حزب را فراهم کنند و بقیه در قم پشتوانه‌های معنوی و فکری آن را آماده سازند. پیش از محرم خونین سال 1357 همه به این نتیجه رسیدیم که حزب به صورت آشکار اعلام موجودیت کند و چون در آن شرایط، دستگیری سران چنین تشکلی حتمی می‌نمود، عده دیگری آماده باشند که پس از دستگیری گروه اول، استمرار حزب را به صورت مخفی اعلام کنند، بدین وسیله همه انگیزش و هیجانی که از دستگیری سران معروف و شناخته شده حزب پدید می‌آمد، در خدمت استمرار این حرکت انقلابی قرار می‌گرفت. اعلامیه امام در محرم 1357 همه این تدابیر و پیش‌بینی‌ها را تحت الشعاع قرار داد و کار حزب به بعد واگذار شد و برادران به انجام وظایفی که از آن اعلامیه ناشی می‌گشت سرگرم شدند و بدین ترتیب، اعلان رسمی حزبی که به قصد تحقق آرمان‌های الهی تشکیل می‌شد تا اندکی پیش از پیروزی انقلاب به تاخیر افتاد. در روزها و شب‌های پرهیجان و پرمشغله بهمن خونین و همزمان با تشکیل دولت موقت و سپس پیروزی قطعی انقلاب، جمع 5 نفری برادرانی که چه در شورای انقلاب و چه در کمیته استقبال و چه در همه فعالیت‌های دم به دم آن ایام در کنار هم بودند پیگیری از کار تشکیل حزب را فراموش نکردند.

تجربه تشکیل دولت موقت و خالی ماندن صحنه اداره کشور از نیروهای خط امام، درس دیگری بود که زبان‌های ناشی از فقدان یک تشکل اسلامی تمام عیار را به رخ ما می‌کشید، به نظر می‌رسید که شخص امام امت نیز تحت تأثیر این واقعیت که در میان عناصر کاملاً مومن و مورد اعتماد، جای یک انسجام و پیوند حساب شده خالی است قرار گرفته و فقدان آن را حس می‌کردند و شاید به همین دلیل بود که در اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب یکی دو بار از یکی از برادران درباره تشکیل حزب پرسیده بودند.

در آخرین روزهای بهمن 1357 آخرین اقدام‌های مربوط به تشکیل حزب در جلسات فشرده و پر کار پنج نفره انجام گرفت و مرامنامه و اساسنامه و دستور کار تنظیم شد و در 29 بهمن 1357 اعلامیه شروع کار حزب به اطلاع همگان رسید.

اهداف حزب

اکنون اجازه می‌خواهم که پس از این تاریخچه کوتاه به جای پرداختن به حوادث نخستین روزهای ولادت حزب که در جای خود حوادثی مهم، آموزنده و بیانگر بسیاری از وضعیت‌های جاری آن روزها است (هجوم مردم برای نام‌نویسی، تشکیل واحدهای چهارگانه تشکیلات، تبلیغات شهرستان‌ها و ایدئولوژی، تعیین جا برای دفتر مرکزی، عکس‌العمل‌های مثبت و منفی، عکس‌العمل امام، عکس‌العمل شخصیت‌های معروف از قبیل شهید مطهری، تشکیل و اعلام خلق مسلمان،...) در بحث اصلی وارد شده و به گزارش عملکرد حزب بپردازم. البته پیش از آن پاسخ به دو سؤال اصلی و مهم را لازم می‌دانم:

نخستین اینکه هدف‌های حزب جمهوری اسلامی و آرمان‌ها و آینده‌هایی که یاد آن همواره خون در رگ‌های حزب می‌دوانیده است، چیست؟
دیگر اینکه چرا برای رسیدن به این هدف‌ها، تشکیل حزب انتخاب شد؟ مگر رسیدن به آن هدف‌ها را بدون این وسیله ممکن نمی‌دانستیم؟

نخست در پاسخ به سؤال دوم باید گفت که ما همواره شکست کوشش‌های انقلابی را معلول نداشتن یک تشکل قوی از معتقدان به اندیشه انقلاب می‌دیدیم. بودند کسانی که به تشکل و نظم نیروهای یک مجموعه اعتقادی نداشتند، لیکن کسانی که به پیروی و اعتقاد راسخ به خط انقلاب اسلامی و مردمی ایران شناخته شده‌اند، از دیر باز به تشکل معتقد بودند، شاید بر همین اساس بود که در سال 1342 در حوزه علمیه قم اولین تشکل سیاسی به وسیله عناصری که اکثر آنها تا امروز همواره در صراط مستقیم انقلاب پای فشرده و برخی از آنان برجسته‌ترین چهره‌های انقلاب را می‌سازند به وجود آمد، مرحوم آیت الله ربانی شیرازی از جمله این چهره‌ها بودند. هنگامی که انقلاب پس از پیروزی، برای تشکیل یک جمع مدیر کشور، مجبور به وام گرفتن از این و آن گروه شد و صحنه سیاسی کشوری که با قدرت ولایت معنوی فقیه به آزادی و استقلال دست یافته بود از گروه منسجمی از معتقدان ولایت فقیه خالی ماند و انقلاب ناچار از توسل به کسانی شد که در اعماق قلب خویش به ولایت فقیه عقیده نداشتند، این حقیقت هر چه آشکارتر و مسلم‌تر شد که معتقدان

به يك فكر تا وقتي به تشكّل و انسجام و نظم و ترتيب نيروها و عناصر خود دست نيافته باشند در صحنه پيگيري از هدفها و آرمانهايشان، جايي براي آنان نيست.

ملت ما در طول دهها سال گذشته كه مشحون از حوادث و تقلبات گوناگون بوده است، بارها چوب عدم تحزب و عدم تشكّل را خورده بود، در آغاز پيروزي انقلاب نيز يكبار ديگر به سختي اين ضريت را چشيد، با اين توجه اعتقاد ما همواره بر اين بوده و هست كه وصول به مقاصد و اهداف انقلابي اسلامي بدون داشتن اين ابزار، يعني تشكّل و انسجام نيروها امكانپذير نيست، نبايد شك كرد كه درست به همين دليل هم بود و هست كه دشمنان اهداف انقلابي ملت ايران از آغاز پيدايش حزب جمهوري اسلامي همه قدرت خود را براي كور كردن خط تشكّل و انسجامي با اين خصوصيات به كار بردند و تاريخ کوتاه پس از انقلاب تا امروز شاهد اين حقيقت است.

در جملاتي کوتاه بايد گفت هدفهاي حزب همان هدفهاي انقلاب است و حزب براي تداوم انقلاب به وجود آمده است، زيرا يك حركت انقلابي عظيم در صورتي كه با عوامل بقا و تداوم خويش همراه نباشد آسيبپذير و در معرض خطرات بزرگ خواهد بود و لذا پس از پيروزي چنين حركتي بايد بلافاصله در اندیشه موجبات تداوم آن تا رسيدن به آخرين هدفها بود. در شمارش اين موجبات به چند سرفصل اساسي برخورد مي‌كنيم:

1- حضور مردم در صحنه

2- پي ريزي بنيان هاي اساسي جمهوري اسلامي

3- برجسته كردن نقش امام و دقت لازم در حفظ و صيانت اين محور اساسي انقلاب

4- تعميق اندیشه اسلامي اصيل در اذهان مردم

5- هدايت لحظه به لحظه سياسي مردم

6- موضع گيري صريح و صادقانه در برابر ترفندها و فريبهاي دشمنان داخلي و خارجي

7- هدايت دستگاههاي اجرايي به سمت هدفهاي انقلاب

8- كمك انساني به اين دستگاهها در هنگام لزوم

9- دعوت مردم به يکپارچگي و هماهنگي

10- اصرار به تحقق شعارهاي اساسي

بنيانگذاران حزب، وجود تشكلي اسلامي، انقلابي، مردمی، ارزشگرا و پای بند به محور امامت و رهبري را بهترين وسيله براي تامين اين موجبات و در نتيجه تحقق تداوم انقلاب تا پايان خط دانستند و حزب را براي اين مقصود بنا نهادند و حزب در ميان انبوهي از مشكلات و صفوفي از مخالفان و امواج كوبندهاي از مخالفتها به فضل الهي و به مدد اخلاص انبوه مردم مومني كه بدان پيوسته يا به چشم مهر و عطوفت بدان نگريسته و به آن اعتماد كرده بودند توانست بسياري از اين سرفصل و محورها را تامين كند و اميد و اعتماد بنيانگذاران و وابستگان خود و بخش عظيمي از ملت ايران را به خويش و به اصل تحزب و تشكّل جلب نمايد. شايد به عنوان يكي از برجسته‌ترين آثار و عملكردهاي حزب جمهوري اسلامي بتوان به همين احساس اعتماد اشاره كرد. پيش از تشكّل اين حزب، احساساتي كه از تشكّل و تحزب در ذهن اكثريت مردم ما وجود داشت، احساساتي تلخ و نوميدانه يا بي اعتماد و بي تفاوت بود.

شكست گروهها و احزاب از سويي و آلوده شدن حزب و تحزب به هدفهاي نامقدس و وسيله هاي نادرست از سوي ديگر در ذهن مردم ما نوعي بدبيني و يا سرخوردگي و يا بي تفاوتی نسبت به تحزب به وجود آورده بود و اين مي‌توانست پديده خطرناك و بدفراجمي باشد براي ملتي كه با مبارزه‌اي بزرگ به سمت عالي‌ترين هدفهاي اسلامي خود پيش مي‌رود. دور ماندن از هماهنگي و انسجام نيروها خطر بزرگي است كه زمينه‌ساز آن بدبيني به تشكّل و تحزب است. حزب جمهوري اسلامي با مشخصه‌هايي كه گفته شد توانست آن باور قبلي را در ذهن مردم دگرگون كرده آنان را به وجود تشكيلاتي مورد اطمينان و كارآمد، دلگرم سازد. گرايش وسيع مردم و اظهار نظر شخصيت‌هاي مردمی و بزرگ درباره حزب، حاكي از اين دگرگوني عميق در ذهنيت و باور مردم ماست و بي‌شك موفقيت حزب در تحقق بخشيدن به موجبات تداوم انقلاب بزرگمان مهم‌ترين نقش را در اين گرايش و قبول داشته است. خوب است به واقعيتهاي ريز و مشخص در مورد آن سرفصل‌هاي مهم تداوم انقلاب و نقش حزب در جهت تحقق آنها بپردازيم:

1- حضور مردم در صحنه

نه تنها تحليل گران داخلي بلکه همه كساني كه به وجهي در مسائل انقلاب اسلامي ايران نظر كرده‌اند متفقند كه مهم‌ترين عامل پيروزي اين انقلاب حضور مردم در صحنه است. در حقيقت اتفاق

قشرهای مختلف و خواست عمومی ملت بود که توانست رژیم تحمیلی پادشاهی را از ادامه سلطه خود عاجز سازد، و بزرگترین هنر رهبری حکیم و هوشمند و آینده‌نگر این انقلاب آن بود که به راز دخالت عمومی مردم پی‌برد و آن را کشف کرد و بدان تحقق بخشید. بی شک در تداوم انقلاب نیز این حضور باید تامین می‌شد. بدون دخالت مستقیم مردم در امور سیاسی و سازندگی‌های کشور ممکن نبود و نیست که انقلاب به سمت هدف‌های نخستین خود ادامه حرکت دهد. حزب جمهوری اسلامی در نخستین تلاش‌های خود این تکلیف را شناخت و بدان عمل کرد.

پس از هیجان و حیرت اولین هفته‌های بعد از پیروزی، مردم همان مردمی که با حضور خود در خیابانها و میدانها و با سردادن شعارهای اسلامی و انقلابی خود و با احساس پیوندی که در این اجتماعات با یکدیگر می‌کردند رژیم را از صحنه خارج کرده بودند، مایل بودند بدانند که این نیروی عظیم تازه شناخته شده را چگونه می‌توان در خدمت انقلاب و نهال نو پای جمهوری اسلامی قرار داد. لذا لازم بود این احساس مردم از مرکزی هدایت و سازماندهی شود.

حزب جمهوری اسلامی این مهم را به عهده گرفت و در همه عرصه‌های انقلابی، در بزرگداشت خاطره‌های هیجان انگیز دوران اختناق که خطوط اصلی انقلاب را برجسته می‌ساخت، در موضع گیریهایی داخلی و خارجی، در به پا ساختن مراسم «ایام الله» همه جا حزب جمهوری اسلامی زمینه حضور عینی و علنی مردم را در اجتماعاتی بزرگ و فشرده فراهم ساخت، از اولین گردهمایی عظیم در روز دوم فروردین 1358 به مناسبت یادبود خاطره شورانگیز مدرسه فیضیه در سال 1342 تا راهپیمایی 15 خرداد همان سال و راهپیمایی به مناسبت اعتراض به سنای آمریکا در 58/03/03 و راهپیمایی روز وحدت و دعوت از گروه‌های سیاسی، در 58/04/26 و از راهپیمایی روز کارگر تا گردهمایی بزرگ روز زن و از دعوت مردم برای سر دادن ندای تکبیر در شب اول محرم سال 1358 تا تاکید بر روزه مقاومت در برابر تحریم اقتصادی آمریکا و تا دهها حرکت سازمان یافته مردمی در سطح کشور همه جا حزب، ابتکار عمل و بیشترین تلاش را به عهده گرفت و همه نیروی لازم را در این راه صرف کرد. آنچه در این اجتماعات از ناحیه سخنرانیهایی که غالبا به وسیله اصلی‌ترین عناصر حزب و انقلاب انجام می‌گرفت و نیز از ناحیه قطعنامه‌ها و شعارها که عموماً در جلسات حزب تنظیم می‌شد، عاید ذهن جوینده و جستجوگر اجتماعات میلیونی مردم می‌گشت، با هیچ میراثی قابل اندازه‌گیری نیست. بی‌شک اگر در آن برهه از انقلاب این تغذیه طبیعی و سالم به مردم تشنه و جوینده نمی‌رسید راه برای نفوذ جریتم‌های مضر و مهلك و سیاست‌های دست‌نشانده شرق و غرب گشوده می‌شد. گردانندگان همین سیاست‌ها بیشترین معارضة را با این حرکت عظیم مردمی که از سوی حزب انجام می‌گرفت بروز می‌دادند، و نخستین بار کسانی راه این خدمت سالم و ارزنده را بریدند که حضور امت حزب الله در صحنه را مغایر با اغراض شوم خود دانسته و حرکت سازمان یافته و حضور آنان در همه صحنه‌ها را تاب دیدن نداشتند و درست فهمیده بودند، چرا که عاقبت هم همین حضور یکپارچه میلیونی بود که آنان را از رویای اریکه قدرتی که در ذهن خود ساخته بودند و به سمت آن پیش می‌رفتند به درآورد.

تا امروز حزب جمهوری اسلامی این خط روشن را می‌پیماید، خوشبختانه نهادهای انقلابی و قانونی به تدریج فعال شده و نقش خود را بازیافته‌اند و اکنون حزب همه همکاری‌های خود را به آن ارگانها مبذول می‌دارد و نقش حفظ مردم در صحنه را از بزرگترین وظایف خود می‌شمرد. نمونه‌ای از زمینه سازی برای حضور در صحنه سازندگی، اقدام به بسیج نیروها برای آباد کردن هزارها روستا در سراسر کشور بود که خشت بنای اصلی جهاد سازندگی را تشکیل داد. و نمونه دیگر سازماندهی نیروها برای کمک به برداشت محصول، این دو اقدام و اقدام‌های متعدد مشابه با اینکه فقط در زمینه سازندگی می‌نمود ولی ماهیت عملی سیاسی درجهت و خدمت سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی بود و بحمدالله مانند دیگر اقدامات موفق نیز شد.

2- پی‌ریزی بنیان‌های اساسی جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب یکی از امیدهای دشمن این بود که جمهوری اسلامی به بنای پایه‌های اصلی که مجموع پیکره عمومی جمهوری بر روی آن قرار می‌گیرد دست نیابد. این نهادها عبارتند از: قانون اساسی، مجلس قانونگذاری، نهاد ریاست جمهوری، تشکیلات راس قوه قضائیه و پیش از همه تثبیت اصل نظام جمهوری اسلامی به وسیله نظرخواهی از مردم. امام امت با بی‌صبری تلاش می‌کردند که این نهادها مخصوصاً برخی از آنها مانند قانون اساسی سریعاً ایجاد شود و بر ضعف دست اندرکارانی که وظیفه قانونی انجام آن را داشتند ایراد می‌گرفتند. حزب جمهوری اسلامی در سطوح مختلف نقش بی‌چون و چرایی در تامین این خواسته امام که

امید دشمنان انقلاب را مبدل به یاس می‌کرد، داشت. هیچ دستگاه منسجمی در کشور نبود که درمندانه و دلسوزانه به تحقق این خواسته بیندیشد و حزب جمهوری اسلامی تنها بود و بدین ترتیب فعالیت گسترده‌ای از سوی حزب در همه جای کشور انجام گرفت:

الف - گرداندگی نظرخواهی عمومی جمهوری اسلامی در روز 11 فروردین 1358.

ب - بررسی همه جانبه بر روی کاندیداهای مجلس خبرگان در بیشتر جاها و معرفی عده‌ای از چهره‌های صالح که عملاً هم در مجلس یاد شده خط دهنده و دارای نقش اساسی بودند و آنگاه ارائه بیشترین خدمات در انجام انتخابات مجلس مزبور.

ج - اداره و ارائه بیشترین خدمات برای دومین نظرخواهی عمومی درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی در تاریخ 58/09/11.

د - شرکت فعال و موثر در اولین انتخابات ریاست جمهوری و ورود در میدان مبارزه سیاسی وسیعی که گروه‌های مختلف و سیاست‌های گوناگون برای آلودن جو اجتماعی و بهره برداری در این انتخابات پدید آورده بودند و مقابله با کاندیداهایی که به تشخیص حزب در صورت انتخاب شدن، اساس انقلاب را به خطر می‌افکندند. و این یکی از بزرگترین آزمایش‌هایی بود که حزب جمهوری اسلامی به شکل فداکارانه و سرافرازانه از آن خارج شد.

هـ- شرکت فعال در انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی و تلاش پیگیر و وسیع برای تحقق رهنمودی که امام قبل از انجام آن انتخابات به جمعی از اعضای هیئت موسس داده بودند و مبارزه با عواملی که درصدد بودند مجلس شورای اسلامی را به صورتی دست نشانده و مجری خواسته‌های این یا آن جریان سیاسی مشکوک در آورند و آنگاه سعی در هر چه پررنگ‌تر کردن این سنگر عظیم و مستحکم مردم و انقلاب.

حزب جمهوری اسلامی در ایجاد و استحکام بخشیدن به این پایه‌های اساسی نقشی آشکار و بی‌چون و چرا داشت. شاید یکی از مهمترین انگیزه‌هایی که دشمنان خارجی و داخلی انقلاب را نسبت به این حزب خدایی به آنچنان خصومتی و می‌داشت که نشانه‌هایش را همگان در سنگ‌اندازیه‌ها و خشم‌های دیوانه وار می‌دیدند، همین بخش از فعالیت حزب بود.

3- برجسته کردن نقش امام ودقت لازم در حفظ صیانت این محور اساسی انقلاب

همه می‌دانند که شخصیت امام محور اساسی انقلاب است. اگر نهضت انقلابی را به معنای حرکت عظیم توده‌های مردم بدانیم، موتور این حرکت شخص امام و شخصیت پیچیده و چند جانبه او بوده است. شخصیتی که ایمان، اخلاص، شجاعت، زهد، دانش، هوش، تدبیر، دوراندیشی، حکمت، توکل و خرد، برجسته ترین بدنه‌های آن است و وی با این خصوصیات توانسته است انقلاب را شالوده‌ریزی و هدایت کند و بالاخره به ثمر برساند.

دشمنان بارها می‌خواسته‌اند در این چهره منور و یا در نقش وی در انقلاب، خلل پدید آورند. حزب جمهوری اسلامی در شمار نهادها و جریان‌هایی است که بیشترین مبارزه را با این حرکت خباثت آمیز انجام داده است.

پایبندی حزب به خط روشن امام و موضع گیری سران و مسوولان حزب در همه مسائل، با آگاهی کامل از این طرح دشمن انجام گرفته است. البته ملت ایران با عشق و ایمانشان همواره بدین سمت هدایت شده‌اند، لیکن به هر تقدیر حزب نیز در این خط و با همان انگیزه‌ها همواره تلاش کرده و در این حرکت عمومی نقش موثری داشته‌است.

حزب در هر موردی به تناسب موضعگیری‌های خود همراهی با امام را در عمل به اثبات رسانده است. همواره هنگامی که امام مواضع سیاسی و انقلابی خود را بیان کرده‌اند، حزب به وسیله موضعگیری‌ها بیانیه‌ها و تدابیر عملی آن را فرا راه خود قرار داده و به عنوان خط اصلی در جامعه مطرح کرده است. هنگامی که قلم‌ها و صفحات روزنامه‌ها و گویندگان رسمی و غیر رسمی به شکل موزیانه می‌کوشیدند بذر تردید و دو دلی را در دل‌ها بپاشند و هر سخن امام را در هر يك از اقدام‌های اصولی، با تاویلی یا حاشیه‌ای یا مخالفت لطیف و نامحسوسی کم اثر کنند، حزب جمهوری اسلامی در بیانیه‌هایش، در روزنامه‌اش، در گفته‌های رهبرانش، در تدابیر عملی‌اش کوشیده است شعله رهنمود امام را برافروخته و روشن‌گر داشته و پرتو آن را به همه جا و تا همه وقت بیفکند. یکی از این خاطره‌های فراموش نشدنی راهپیمایی «وحدت امت و امام و تجدید بیعت با امام» بود و آن سخنرانی شهید مظلوم بهشتی و علنی کردن این حقیقت که پیوند امام با امت هرگز گسستنی نیست. اقدام به بزرگداشت هفته ورود امام که در سال‌های بعد به نام «دهه فجر» معروف شد، اعلام هفته بسیج که به دنبال فرمان امام در مورد تشکیل ارتش بیست میلیونی انجام گرفت، استقبال از

موضع گیری بی نظیر امام در هنگام قطع رابطه با آمریکا و برشمردن موارد قوت ما در مقابله با شیطان بزرگ و اعلام ادامه نبرد با آن و موارد بی شمار دیگری از این قبیل، در همه طول مدت این چهار سال و اندی نقاط روشن حرکت حزب در این خط و روال می باشد.

4- تعمیق اندیشه اسلامی-آمدصیل در اذهان مردم

حرکت دراز مدت کشانیدن مردم به گرایش های مادی از کوره راه فرآورده های ذهنی التقاطی، طرحی بود که از پیش از پیروزی انقلاب پیگیری می شد. این فرآورده ها اگر چه با نامها و نشانه ها و از زبانها و قلم های مختلف آماده و ارائه می شد اما نقطه ای محوری و مرکزی ای که همه دست اندرکاران این کار در آن شرکت داشتند نفی و رد اندیشه ای بود که به متون اسلامی و به شیوه علمی و تخصصی «فقاہت» متکی است. همه از اسلام می گفتند اما اسلامی که جا به جا با ملی گرایی با افکار اجتماعی غربیان، با طرح های اقتصادی شرقیان، با نظرات گوناگون این و آن منطبق بود و فقط نام اسلام را آن هم برای جلب و جذب ایمان مردم با خود حمل می کرد. اسلامی که پیاده شدن احکام شریعت اسلامی را تحمل نمی کرد، اسلامی که روش های اقتصادی و اجتماعی متاخذ از قرآن و حدیث را بر نمی تافت، اسلامی که فقهای بزرگ و خبرگان علوم اسلامی از آن سر در نمی آوردند و حتی یک آیه یا حدیث اسلامی هم بر آن دلالت نمی کرد.

حزب جمهوری اسلامی نخستین فریاد رسایی بود که با طرح عنوان «اسلام فقاہتی» امکان رشد و گسترش را از «اسلام های من درآوردی غرب» گرایان و شرق باوران گرفت و دبیرکل شجاع حزب جمهوری اسلامی⁽¹⁾ در سال 1358 بود که در برابر یاوه گویی کسانی که با وجود ادعای مسلمانی، اسلام، قرآن و حدیث را قابل عمل و قابل پیاده شدن نمی دانستند یک تنه ایستاد و البته از همان زمان نیز آماج حملات چپ و راست جناح های گوناگونی شد که فقط در ضدیت با اسلام هماهنگی داشتند.

دستگاه وسیع تبلیغات و آموزش حزب از روز اول در خدمت عمق بخشیدن به تفکر اسلامی انقلاب قرار گرفت؛ جلسات سخنرانی در چهار گوشه کشور و در هر شهر و روستا، کلاسهای درس در رشته های گوناگون اسلامی، تالیف و تدوین جزوه ها، کتابها و انواع و اقسام نوشتارهای فکری و عقیدتی ابزارهایی بوده اند که حزب در خدمت ایمان و اعتقاد عمیق مردم قرار داد.

از هزاران جلسه پربار و آموزنده سخنرانی که در طول این مدت انجام گرفت تنها تا اوایل سال 1360 بالغ بر 500 سخنرانی فقط به وسیله موسسان حزب ایراد شده که البته بخش مهمی از آنها در شهرها و روستاهای دور دست انجام گرفته است. بیش از صد دوره کلاس آموزش که بخش عمده ای از آن به وسیله موسسان حزب اداره شده یک رقم مهم و قابل توجه در این مورد است و خوشبختانه بسیاری از این جلسات و مخصوصا کلاسها با تکتیر و پخش نوارهای رادیویی و تلویزیونی همچنان مستمر و مداوم بوده و هستند.

5- هدایت لحظه به لحظه سیاسی مردم

دستگیری و راهنمایی سیاسی، مهمترین چیزی است که همه احزاب در برابر اعضا خود را موظف بدان می دانند. اما اکنون صحبت از این عمل حزبی نیست، صحنه پر غوغای سیاسی کشور در اولین سالهای پس از پیروزی به حزب اجازه نمی داد که در زمینه سیاسی، فقط به اعضا و هواداران خود بیندیشد بلکه رشد اندیشه سیاسی و ایجاد قدرت تحلیل و درک جریاناتی که به شکل پیچیده دم به دم در فضای تنفس فکری مردم وارد می شد وظیفه بزرگتر را بردوش حزب می نهاد.

جامعه انقلابی ما در نخستین ایام حیاتش احتیاج مبرم به چشمی باز و دلی پرتحمل در قبال بازیهای سیاسی داشت، اگر چه ایمان عمیق مردم و جاذبه اسلامی که آنان را همواره هدایت کرده و راه را پیش پای آنان نهاده صحت میدان لازم را برای جولان در اختیار سیاست بازان کهنه کار و سرد و گرم چشیده نمی گذاشت تا بتوانند به میل خود مردم را به این سو و آن سو کشانده از آنان با خیال راحت برای مقاصد خود استفاده ببرند. ولی خلا اندیشه سیاسی در ذهن مردم می توانست در دراز مدت خطرات عمده ای به بار آورد و دیدیم آن دسته از این سیاست بازان که پوشش دین را موقتا بر خود پوشاندند چندان هم در جذب و بهره گیری از نیروهای بخشی از مردم ناموفق نماندند.

حزب، بر این اساس یکی از بزرگترین ماموریت های خود را هدایت لحظه به لحظه سیاسی مردم دانست و در این راه اقدامات عظیم و فراموش نشدنی انجام داد. بعضی از این اقدامات در سطحی وسیع و همگانی و در زمانی طولانی و با استفاده از همه وسائل (سخنرانیها، مصاحبه ها، مقاله ها، شعرها) انجام گرفت، بارزترین نمونه از این نوع، موضع گیری حزب در برابر فتنه بنی صدر بود، فتنه ای که ملت را تجزیه و نیروها را متصادم و فضا را به غبار شک و بد دلی آلوده بود.

حزب، بیت الغزل هدایت سیاسی دراز مدت و پر زحمت خود را در این قضیه سرود. روزنامه حزب و صدها نوار سخنرانی آن روزها، سندهای همیشه گویای تلاش پرمشقتی هستند که حزب جمهوری اسلامی در سخت‌ترین و پر شبهه‌ترین ایام انقلاب تقدیم کرده‌است.

نمونه‌های دیگر، موضع‌گیری حزب در برابر گروه منافقین، در برابر گروه‌های محارب کردستان و ترکمن صحرا، در برابر حزب وابسته توده، در برابر حزب توطئه‌گر خلق مسلمان و امثال آنها بود که با صدها قلم و زبان طنز، گستاخ، بی اصول و بی تقید به راستی و درستی و با هزاران توطئه و ترفند و سیاسی کاری و خیانت به آن کمک و برای آنان زمینه سازی و از آنان دفاع می‌شد. مقابله با جریانهای سیاسی از قبیل ملی گراها و لیبرالها و مدافعان سیاست نزدیکی به غرب و امثال آن نیز نوع دیگری از این اقدامها بود.

علاوه بر اینها حضور سیاسی حزب در دهها مسئله کوچک و بزرگ سیاسی که در بیانیه یا مصاحبه یا سخنرانی منعکس می‌شد، در تمامی دوران چند ساله عمر آن مستمرا وجود داشته است.

اعلام موضع حزب در برابر قضایایی چون دعوت وزارت خارجه در زمان دولت موقت از همه احزاب و گروهها برای طراحی سیاست خارجی، عدم اجازه خروج به هیات ایرانی عازم لیبی به رهبری شهید محمد منتظری، ملاقات نخست وزیر وقت با مشاور امنیتی کارتر، تسخیر لانه جاسوسی به وسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، کناره گیری دولت موقت و تصدی امور به وسیله شورای انقلاب، فتنه‌انگیزی در شهر مقدس قم از سوی عوامل حزب خلق مسلمان، اعلام بحث آزاد از سوی وزارت کشور و دعوت از کلیه احزاب و گروهها، حرکات موزیانه جبهه ملی (59/04/29) - حادثه‌های 17 شهریور و عاشورا و 14 اسفند سال 1359 و امثال آن از این قبیل و غالبا در حافظه مردم و یا در اسناد حزب ثبت و ضبط است.

6- موضع گیری صریح و صادقانه در برابر ترفندهای دشمنان داخلی و خارجی

شاید بتوان یکی از اقبال‌های حزب جمهوری اسلامی را آن دانست که بنیانگذاران و اغلب اداره کنندگان آن را کسانی تشکیل دادند که در گذشته خود از سیاستگری به معنای معمول و دائر آن، بهره‌ای نداشتند، آنان به جای آنکه سیاسی باشند همواره انقلابی بوده و انقلابی زیسته‌اند و مایلند نیز همچنان انقلابی بمانند. سیاستگری به معنای رایج و دایریش با فریب و دروغ همراه و از راستی و درستی بیگانه است. و این چیزی است که حزب نخواسته آنچنان باشد و شاید با اتکا بر عناصری که صداقت و صراحت را از امام، استاد و مراد خود آموخته‌اند هرگز نتواند نیز چنان باشد. صداقت و صراحت در موضع‌گیری‌ها، یکی از مشخصه‌های حزب جمهوری اسلامی و تشکیل دهنده بزرگی از کارنامه‌های قطور آن است.

اینک به نقاطی از این موضع گیری به طور پراکنده اشاره می‌کنیم:

هنگامی که یکی از روزنامه‌هایی که نظرات سیاسی ضدانقلاب را می‌آراست و می‌پراکند پیشنهاد وحدت عمل همه نیروهای را که به اصطلاح علیه امپریالیزم می‌جنگند، مطرح کرد، این عنوان از نظر آن پیشنهاد دهندگان شامل گروه‌هایی می‌شد که در کردستان و ترکمن صحرا با مردم و عوامل جمهوری اسلامی جنگیده و دستشان به خون تعداد کثیری از مردم مسلمان آلوده بود، همچنین گروه‌هایی را که از آغاز پیروزی انقلاب لحظه‌ای از توطئه و دسیسه باز نایستاده و به قدر توان خود بر دولت جمهوری اسلامی مخصوصا بخشهای انقلابی‌تر آن فشار وارد کرده بودند، در بر می‌گرفت. پیشنهاد مزبور ماموریت آرام سازی جو عمومی علیه این گروهها را دنبال می‌کرد و رندانه جواز اقامت آزاد در همه جا و همیشه را برای آنان می‌گرفت.

حزب جمهوری اسلامی علیرغم فشار و تبلیغ کسانی که از روی ساده لوحی یا موزیگرانه آن را انحصار طلب و آنچنان که گویا هیچ حزب و گروه دیگری غیر از خود را نمی‌تواند در صحنه ببیند، معرفی می‌کردند صریحا اعلام کرد که شرعا و عقلا و از نظر سیاسی نمی‌تواند با گروه‌هایی از آن قبیل به وحدت برسد.

در صحنه‌ای دیگر هنگامی که در آذرماه 1358، دادگاه لاهه، رای خود را دایر بر آزادی گروگانهای آمریکایی صادر کرد و اندکی پس از آن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد حمایت آشکار خود را از رژیم ایالات متحده و بی اعتنایی خود به احساسات و دردها و رنج های مردم ایران را ابراز داشت، حزب جمهوری اسلامی بود که بی هیچ ملاحظه و دغدغه در برابر این دو حرکت موضع‌گیری کرد و علی رغم سکوت مصلحت‌آمیز گروههای علی‌الظاهر چپگرا و ضد امپریالیسم، حقیقت را آشکارا در معرض دید و فهم همگان گذاشت و در يك مورد، با اعلام تکبیر در برابر لانه جاسوسی آن را به حرکت عمومی بدل ساخت.

و نمونه‌های دیگر در همه صحنه‌ها و همه شرایط فراوان است.

7- هدایت دستگاه‌های اجرایی به سمت هدف‌های انقلاب

دستگاه‌های اجرایی کشور اعم از قوه مجریه و قضاییه پس از پیروزی انقلاب چنان بودند که گویی از خوابی سنگین و دراز برخاسته‌اند! گنج، لخت و بیکاره، دولت موقت مأموریت تحرك بخشیدن به این دستگاه‌ها را داشت؛ چیزی در حد محال! همین امر موجب شد که در اوایل، چند بار فریاد خشم‌آلود امام امت بر سر آن دولت فرود آید، ولی ناتوانی ذاتی آن دولت و عظمت و دشواری کار، شخص امام و همه تصمیم‌گیرندگان را قانع کرد که هنگامی که دولت موقت از انگیزه و نیت درست برخوردار است به جای اعتراض، کمک و دستگیری شود و همین خط از سوی حزب پیگیری شد و حزب چه در سطح مسؤولان درجه یک و چه در سطح عام و در زبان روزنامه و بیانیه و سخنرانی هیچ حرکت تعرض‌آمیزی بر ضد دولت موقت انجام نداد و این رویه به جز در برابر برخی از پدیده‌های غیرقابل قبول، ادامه یافت. اما در تمام این دوران و همه دوره‌های بعدی یعنی زمان تصدی شورای انقلاب و سپس زمان دولت شهید رجایی وظیفه نصح و هدایت دلسوزانه نسبت به انقلاب و مسؤولان اجرایی‌اش را هرگز فراموش نکرد.

جلسات اقتصادی شهید بهشتی، جلسات مشترک و منظم موسسان حزب با شهید رجایی، کمک‌های مسؤولان حزب در شورای انقلاب به مدیران اجرایی، کانون یکشنبه‌های حزب که بسیاری از مدیران سطح بالای کشور و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آن شرکت می‌کردند و شهید مظلوم بهشتی شخصا بر آن نظارت داشت و بالاخره مقالات و نوشته‌هایی که در همه دوره‌های مختلف و اوضاع و احوال گوناگون با در نظر گرفتن مقاصد انقلاب، دولتمردان را به خط درست رهنمون گشته و از در افتادن به دام ضرورت‌های پنداری و جهت‌گیری‌های مصلحتی منعشان کرده است و آرشو حزب و روزنامه جمهوری اسلامی حاوی نمونه‌های درخشان بسیاری از اینگونه است.

8- کمک انسانی به این دستگاه‌ها در هنگام لزوم

این یکی از بزرگترین وظایفی بود که حزب جمهوری اسلامی در سراسر این چهار سال و چند ماه بر دوش خود احساس کرده و در هر دوره از ادوار گوناگون این مدت، به نحوی آن را انجام داده است. موضع حزب در این مسئله موضعی مخصوص به خود بوده و هست. از سویی حزب هیچگاه خود را محور اداره کشور ندانسته و معتقد نبوده است که اگر عناصر غیرحزبی در دولت و مجلس باشد کار کشور و انقلاب، زار است! برخلاف نظر کسانی که حتی در دوران حکومت جبهه ملی و نهضت آزادی هم حزب جمهوری اسلامی را حزب حاکم می‌نامیدند و برخلاف تبلیغات موزیانه کسانی که به دفتر رئیس‌جمهور⁽²⁾ اجازه می‌دادند کاندیدا برای مجلس شورای اسلامی معین کنند، اما همین را از حزب جمهوری اسلامی، انحصار طلبی می‌دانستند، این حزب نه خواسته و نه اکنون می‌خواهد که حزبی بودن، معیارها و ملاک‌های اصولی مانند تقوا، امانت، کاردانی و امثال آن را تحت الشعاع قرار دهد و بر این اساس گاه کسانی باشند که وظیفه انقلابی خود در دستگاه‌های اجرایی یا قانونگذاری را بدانند و بگذارند حزب آنان را معرفی و حمایت کند اگر چه هیچ پیوندی با حزب نداشته باشند. این رویه حزب از آغاز انقلاب تا امروز بوده است و شواهد آن را در همه کابینه‌های پس از دولت موقت تا امروز و در کاندیدهای مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی به وضوح می‌توان دید.

لیکن از سوی دیگر حزب خود را موظف می‌دانسته که هرگاه به نیروی انسانی موجود در آن نیاز باشد سخاوتمندانه آن را در اختیار ارگان نیازمند بگذارد و این کار را نیز همواره حتی در دوره‌هایی که استفاده از نیروی انسانی حزب به معنای بها دادن به حزب نبوده انجام داده است. اولین نمونه، شرکت چند تن از مسؤولان حزب در دولت موقت بود که بنا به مصالحی از سوی رئیس آن دولت پیشنهاد شد. و شورای مرکزی حزب علیرغم آنکه خلا ناشی از آن برادران را حدس می‌زد، به خاطر وضع آشفته کشور پس از بحث و مذاکره‌ای طولانی به دادن این نیروها تن در داد. به عنوان برخی از نمونه‌های دیگر قبول اداره برخی نهادهای انقلابی از سوی همین برادران در دوران اداره کشور به وسیله شورای انقلاب، قبول مقامات قضایی از سوی برخی دیگر از برادران، قبول چندین پست وزارت در کابینه شهید رجایی و سپس در کابینه شهید باهنر و قبول مسؤولیت‌های اجرایی در بخش‌های مختلف دولت به هنگام نیاز را می‌توان یاد کرد. اصرار شهید رجایی بر سپردن پست وزارت خارجه به برادرمان مهندس موسوی و استنکاف همه ما که نقش مهندس را در روزنامه می‌شناختیم و بالاخره تسلیم شدن ما که آن روز گمان می‌کردیم به بهای تعطیل یا شبه تعطیل روزنامه تمام خواهد شد، و آنگاه کمک و پاداش الهی در برابر این ایثار ما که به شکل قبول نکردن بنی صدر نموده پیدا کرد، یکی

از خاطرات شیرین گذشته و از نمونه‌های این رویه حزب است.

9- دعوت مردم به یکپارچگی و هماهنگی

وحدت و اتفاق مردم یکی از چند پایه اصلی انقلاب است. تجزیه نیروها و تفرقه امت همیشه خطرناک است، اما در شرایط انقلابی این کشور این علت ممکن است فاجعه‌آمیز باشد. حزب جمهوری اسلامی با توجه به این حقیقت از آغاز یکی از شعارهای خود را وحدت قرارداد. ما هرگز نخواسته‌ایم تنگ نظرانه بخشی از مردم را به نام حزب از دیگران جدا سازیم و نتوانسته‌ایم تفرقه‌ها و تشتت‌هایی را که به وسیله عناصر مخرب پدید می‌آید تحمل کنیم. ما همواره بر این باور بوده‌ایم که در حیطه رهبری ولی فقیه، دستگاهی برای آموختن، هدایت کردن، همسو کردن، عمق و کیفیت بخشیدن لازم است این دستگاه همان حزب جمهوری اسلامی است. حزب کلاس عقیدتی، سیاسی بزرگ و همه جا گسترده‌ای است که به قدر توان خود از مردم بر می‌گزیند و رشد می‌دهد و به تلاش و فعالیت می‌گمارد و این دایره آموزش و هدایت را روز به روز گسترش می‌دهد. آنها که در این کلاسند با مردم بیرون این کلاس بیگانه نیستند، که برادران نزدیک و با صفایند و موظفند اندوخته‌ها و آموخته‌های خود را در خدمت آنان نیز قرار دهند.

با این طرز فکر حزب جمهوری اسلامی، حزب را متضاد با وحدت نیروهای اسلامی و انقلابی ندانسته بلکه زمینه ساز و موید آن نیز دانسته است.

روش عملی حزب چه در اوایل انقلاب که جریانهای سیاسی وابسته به این یا آن قدرت خارجی سعی می‌کردند با نام حزبها و گروه‌های متعدد مردم را از زیر پرچم اسلام و فقاقت خارج کرده و اینجا و آنجا گرد آورند یا حداقل تجمع و یکپارچگی آنان را برهم بزنند و چه در دوران فتنه بزرگ که بیشتر این گروهها با گرد آمدن در زیر نام رئیس جمهور وقت⁽³⁾ همت به تجزیه ملت گماشته بودند و چه در مقابله با شعار آنان که می‌خواستند قشرهای اجتماعی را از یکدیگر جدا کنند، طرز فکر و روش عملی حزب در همه این موارد مبارزه با عوامل تفرقه و افشای دستهای تفرقه‌افکن و دعوت مردم به اتحاد و یکپارچگی بوده است.

ایجاد اجتماعات بزرگ و راهپیمایی‌های میلیونی و اعلام کاندیداهای انتخابات مجلس شورای اسلامی با همراهی روحانیت مبارز و گروه‌های مسلمان معتقد به خط امام از جمله مظاهر این انگیزه و طرز فکر حزب جمهوری اسلامی است.

10- اصرار بر تحقق شعارهای اساسی انقلاب

این آخرین موضوعی است که در اینجا به عنوان اقدامات و خدمات حزب جمهوری اسلامی متذکر می‌شویم.

از شعار انقلاب فرهنگی که نخستین ندای آن از حنجره برادرمان جناب آقای هاشمی رفسنجانی در دانشگاه تبریز شنیده شد تا شعارهای اقتصادی که تامین کننده زندگی عادلانه اسلامی در جهت خدمت به محرومان و تهی‌دستان است و تا شعارهای سیاسی که ممیزه اصلی جمهوری اسلامی در سراسر جهان به حساب می‌آید، همه و همه از حنجره رسای حزب برآمده و حزب در گسترش و تعمیق و احیانا تحقق آنها شریک و موثر بوده‌است.

اکنون نیز حزب جمهوری اسلامی بر آن است که باید شعارهای استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و آزادی کامل ملی و شعارهای کمک به محرومان و تهی‌دستان و کمک به مستضعفان در سطح جهان و شعار اسلامی شدن همه قوانین و شعار امنیت قضایی و دیگر شعارهای اصولی انقلاب اسلامی تحقق کامل بیابد.

اگر حزب جمهوری اسلامی بخواهد مردمی و انقلابی بماند باید مانند همیشه این شعارها را خطوط روشن حرکت خود بداند. بی شک انقلاب اسلامی نیز بدون رسیدگی به گروههای محروم و کوخ نشین، بدون حل مسئله زمین کشاورزی، مسکن، اشتغال، توزیع عادلانه، و امثال آن با مشکلات بزرگی روبرو خواهد بود.

برادران و خواهران! این گزارش با همه تفصیل، یقینا بسیار کمتر و کوچکتر از آن بود که کارنامه حزب جمهوری اسلامی محسوب شود. این فقط در حکم ورق زدن یک کتاب قطور بود.

برای دوباره دیدن و سنجیدن این حوادث، زمانی به گسترش زمان وقوع آن لازم است و این کار گروهی مشتاق و کمر بسته است تا ذره ذره مجاهدت و تلاش هزاران برادر و خواهر فداکار و مومن، دانسته و باز نموده شود.

این گزارش درصدد آن نیست که پاسخی باشد برای آنها که از نابوری می‌پرسند: چه کرده‌اید؟ یا از روی بی‌مهری سر می‌جنبانند که: کاری نکرده‌اید! این گزارش خطاب به شما یاران مهربان است که

در سخت‌ترین شرایط غمگسار بوده و گره‌گشایی کرده‌اند و خطاب به همه آنان که همواره به چشم قبول و اعتماد نگریسته و همه کار و همه چیز را پذیرفته‌اند. مقصود آن است که حزب شهیدان، حزب مظلومان، حزب ولایت فقیه همواره در خط روشنی که تاکنون پیموده، بماند و هر زحمتی را در راه آرمان‌هایی خدایی انقلاب بپذیرد، این وصیت همه شهیدان این حزب است. آنها که در این مجمع عظیم به تدبیر و اداره آینده این حزب برگزیده خواهند شد این ندا را همیشه در گوش داشته باشند.

بار دیگر در جمع همراهان

سخنان دبیرکل محترم در جلسه عمومی چهارمین روز نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی

قبل از آنکه کار خود را در چهارمین روز از کنگره در حضور شما خواهران و برادران آغاز کنیم. لازم است که از حادثه تاسف بار حمله موشکی رژیم عراق به دو شهر دزفول و اندیمشک ابراز تاسف کرده و بار دیگر احترام خودمان نسبت به مردم مقاوم این منطقه قهرمان‌خیز و نفرت خودمان از عوامل رژیم خونخوار سفاک عراق را ابراز کنیم. متأسفانه دشمن به هیچ یک از التزامات انسانی و اسلامی و اخلاقی پای بند نیست! ما در مقابل یک چنین دشمنی قرار گرفته‌ایم و همین در حقانیت مبارزه ما بس.

آن کسانی که ادعای صلح طلبی می‌کنند و به خاطر طرفداری از صلح و به نام طرفداری از صلح از رژیم عراق جانبداری می‌کنند، باید بدانند که در پیشگاه وجدانهای مردم جهان، وجدانهای پاک و نالوده‌ای که حقایق را درک می‌کنند مورد سؤال هستند. ما هم می‌توانستیم با حرکات متقابل و مشابهی فشارهای سختی را روی رژیم عراق وارد کنیم. شهرهای بزرگ و کوچک عراق در برد آتش توپخانه ماست و ما اگر اقدام به عمل متقابل کنیم و شهرها را با آتش توپخانه خودمان خلوت بکنیم و یکی دو میلیون آواره در محیط اجتماعی عراق به وجود آید یقیناً خیلی از گره‌ها گشوده خواهد شد، ولی ما به حکم التزاممان به اصولی که به خاطر آن اصول، حرکتیمان را آغاز کرده‌ایم به چنین کاری اقدام نکرده‌ایم. ولی همه مطمئن باشند. هم مردم خودمان و هم دشمن که در مقابل ما قرار دارد و هم ناظران جهانی، که این حرکات را ما بدون پاسخ نخواهیم گذاشت و دولت جمهوری اسلامی ایران با همان روشهای انسانی و مردمی که تاکنون در جنگ پیموده، ضربات خود را بار دیگر و بار دیگر بر سر متجاوزان فرود خواهد آورد. اگر رژیم عراق و حامیانش تصور می‌کنند که با این ضربات می‌توانند مردم و انقلاب ایران و رژیم جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی کنند این اشتباه بزرگی است، این فشارها ملت ما را به زانو در نخواهد آورد.

امیدواریم که مردم عزیز و مظلوم و قهرمان دزفول و اندیمشک در مقابل این مصائب پایداری خودشان را ادامه بدهند و از فرصت استفاده می‌کنیم به وسیله حضرت آیت الله قاضی امام جمعه محترم دزفول که در مجلس تشریف دارند اظهار تسلیت و تاسف این کنگره را حضور برادران و خواهران دزفولی ابراز می‌کنیم و امیدواریم که خداوند آنها را با مجاهدان و مبارزان بزرگ راه خدا در قیامت محشور کند و این مقاومت و فداکاری را ان شاء الله از آنها بپذیرد...

این کنگره تجربه بسیار خوبی است برای ما و این تجربه یقیناً در طول حیات حزب جمهوری اسلامی بر این حزب مفید و کارآمد و کارساز خواهد بود و این کنگره به همه شما برادران و خواهران شیوه کار جمعی را بیش از پیش آموخت.

افراد را با هم آشنا کرد و قشرها را در کنار هم قرار داد و در اساس هم حزب جمهوری اسلامی، حزبی بود که می‌خواست نماینده قشرها باشد و همین ترکیب را در بافت کلی خود از بالا تا پایین، از مرکز تا محیط دایره رعایت کرده و نتایج خوبی هم بحمدالله گرفت، این حالت در این جمع بزرگ شما در طول این چند روز بایستی به تثبیت بیشتر و به تجربه و آزمودگی کارسازتری برسد... بحمدالله کنگره تا امروز موفق بوده، هم کمیسیونها موفق بودند و هم جلسات عمومی کنگره با

توفیق برگزار شده و هم در مجموع، روال و رفتار کنگره خوب بوده، همه چیز به خوبی پیش رفته. جمع بزرگ برادران، همکاریشان، تعاونشان، تفاهمشان، مباحثاتشان و احیاناً بگومگوهایشان بر سر مسائل گوناگون در کمیسیونها و یا خارج کمیسیونها همه خوب بوده است.

این خطاست که ما تصور کنیم اگر بر سر يك مسأله‌ای بین دو برادر بحثی رخ می‌دهد این بحث چیز بد و تلخی است! وقتی که يك مقصد، يك هدف، يك نیت و يك انگیزه وجود دارد مباحثه چیز بدی نیست و چیز بسیار خوبی است. البته مخاصمه بد است همان طور که امام هم فرمودند تخاصم مال اهل آتش است و در قرآن هم «تخاصم اهل النار»⁽⁴⁾ دارد. دشمنی و ستیزه‌گری کردن چیز بدی است اما مباحثه و گفتگو کردن و رد و بدل کردن استدلال در مسائل گوناگون سیاسی اقتصادی، اجتماعی مواضع حزب و مواد اساسنامه و بندهای مرامنامه همه اینها خوب است هیچکدام بد نیست. مبدا اگر کسی بحث و اظهار نظر و استدلال می‌کند این در ذهنتان يك چیز سنگین و نامانوسی نباید، نه! همین بحثها و گفتگوهاست که بایستی ما را پیش ببرد.

بنابراین ان شاء الله در این مدت کوتاه دیگری هم که از عمر این کنگره داریم بایستی به همین ترتیب به شکل سالم در فضای دوستانه و محبت آمیز با توجه به اینکه همه با انگیزه‌های خوب حرکت می‌کنند و شرکت کرده‌اند کار را ادامه بدهیم و یقیناً نتیجه کار ما مطلوب خواهد بود و ان شاء الله مورد رضای خدا خواهد بود....

نکته دیگر این است که ما در جامعه مان هم همین طور است در هر جمعی از جمع‌هایمان همین طور است. افراد صددرصد با هم همفکر نیستند ما باید اصول فکریمان و مبانی اعتقادیمان یکی باشد، ان شاء الله مقداری که بیشتر کار کنیم درباره مسائل ظریفتر هم با هم نزدیک می‌شویم. مواضع حزب جمهوری اسلامی آن وقتی که با اصلاحات و تجدید نظرهایی که از کنگره عاید خواهد شد به شکل جدید خود رسید تدریس می‌شود، تفهیم می‌شود. و بحث و مباحثه می‌شود و همه در کلیه مسائل مواضع ما ان شاء الله به نتایج یکسانی خواهند رسید و آن وقت از لحاظ مبانی فکری و اعتقادی و... برادران و خواهران همه یکسان خواهند شد.

الان اگر چنانچه در بینشهای اجتماعی سیاسی اقتصادی تغییر و تفاوت برداشتهایی وجود داشته باشد این را تحمل بر جدایی نکنید. دیدیم ما در خارج از این جمع کسانی را که در مواضع فکری خودشان آن چنان پای می‌فشارند که گویی آن مواضع وحی منزل است. اگر کسی آنچه را که فکر می‌کند از آن چه آنها فکر می‌کنند سر سوزنی فاصله داشته باشد، آسان آن را رد می‌کنند این غلط است. این روش، روش درستی نیست! شما ببینید روش امام چگونه است ببینید برخورد امام با گروههایی که در خط امامند و مومند و این انقلاب و این جمهوری را تا اینجا رسانده‌اند چگونه است؟ کسانی که با اخلاص کار می‌کنند، فکر می‌کنند و برای این جمهوری تلاش می‌کنند، امام به آنها به نظر يك فرزند نگاه می‌کنند.

به فرض هم که در مورد فلان مسئله اقتصادی و اجتماعی اندکی این طرف و آن طرف بیانیدند این غلط است که ما تا دیدیم کسی درباره مسائل اقتصادی مثلاً يك مقداری برای مستضعفین دل می‌سوزاند بگوییم تفکرش سوسیالیستی و چپ است. تا دیدیم يك نفر ته ریش دارد و در بازار مغازه‌ای کوچک یا بزرگ دارد فوری به عنوان بازاری، سرمایه دار و طرفدار فئودال او را رد کنیم. چرا این کار را می‌کنیم؟ چرا ما را وادار کنند به این دو دستگی‌ها؟ دروغ و غلط است! این دو دستگی يك دو دستگی، انحرافی است! آن کسانی که شما به آنها اطمینان دارید و قبولشان دارید آن کسانی که شما به هوشمندی آنها، به علاقمندی و خلوص آنها معتقد هستید این طور فکر نمی‌کنند. البته خوشبختانه جمع بزرگ شما بسیار سالم و دور از حرکت‌های انحرافی بوده و انتظار هم همین است. اما ممکن است یکی دو نفر در گوشه و کنار این را به عنوان سرمایه دار فئودال یا بازاری رد کنند و یا به عنوان چپ یا جوان است کنار بگذارند. هر دو اینها غلط است!

مگر بازاری بد است؟ بازاری خیلی هم خوب است. بازاریها همان کسانی هستند که در آن روزگاران که این انقلاب غریب بود آنها دورش بودند. آن زمانی که ما پناه نداشتیم آنها پناه ما بودند (منظورم از ما کسانی است که علاقمند به انقلاب بودند) یاران امام بودند. حاج مهدی عراقی، صادق امانی، محمد بخارائی، اینها بازاری بودند، اینها بدند؟ بهترین انسانهای این روزگار، بهترین چهره‌های مبارزه، از همینها بیرون آمدند! البته در آنها آدم بد هم هست توی همین لباسهای بنده هم آدم بد هست (لباس روحانیت) مگه نیست؟ جوانها پرهیجاند، پرشورند، دلسوزند، عاطفی‌اند کجی‌ها و بدی‌ها را که گاهی ما که سنی بر ما گذشته يك مقدار راحت‌تر تحمل می‌کنیم، آنها تحمل نمی‌کنند، بر می‌آشوبند؛ باید گفت این‌ها چپ هستند؟ چرا به چه دلیل؟ این جوان را چرا رد می‌کنیم؟ این مومن و مخلص و فداکار را چرا؟ جبهه ما را اینها پرکرده‌اند. ببینید که هر دو طرف، استدلال درستی برای وجود و جهت‌گیری خودشان دارند احیاناً در زمینه فلان مسئله یا به همان حادثه ممکن است

يك اختلاف نظري با هم داشته باشند، اين چه چيزي را مي فهماند و چه چيزي را رد مي كند؟
خواهران و برادران عزيز خواهش مي كنم در دام نيافتيد. اختلاف و تخاصم از شيطان است. حزب مظهر
انسجام است. اين كساني كه در شوراي مركزي حزب جمهوري اسلامي بودند تا فردا كه انتخابات
جديد نشده اينها عضو شوراي مركزي هستند. اينها همان كساني هستند كه مرحوم شهيد مظلوم
بهشتي در آمدن تك تك آنها نظر داشت (البته كساني كه قبل از شهادت ايشان در شورا بودند،
آنهايي كه بعد آمدند نه) چرا بي خود رد و نفي كنيم؟ چرا بي خود عناصر پاك و انسانهاي مخلص، آن
جوان مخلص، آن كاسب مخلص را چرا رد كنيم؟ همه شان خوب هستند اميدوارم با همين جو و روح
برادرانه، با همين روح صفا، يكرنگي و با علم به اينكه در اين جمعيت كسي نيست كه به حال
مستضعفان دل نسوزاند، كسي نيست كه در خط امام نباشد، كسي نيست كه معتقد به ولايت
فقيه و تقليد نباشد؛ با توجه به اينها كارتان را شروع كنيد.
اساسنامه را ان شاء الله امروز موافقت را يكي پس از ديگري مي خوانيم تا برادران و خواهران آنچه
را كه مقتضي مي دانند تصويب كنند و بعد هم مسائل بعدي و ان شاء الله فردا هم انتخاب برگزيدگان
و نخبگان حزب براي شوراي مركزي.
پس از سخنان دبيركل و رئيس كنگره حزب جمهوري اسلامي مرامنامه و اساسنامه حزب قرائت و
با تغييراتي تصويب شد.

در جمع ياران

سخنان آيت الله هاشمي رفسنجاني قبل از انتخاب اعضاي شوراي مركزي و شوراي داوري

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلوة علي رسول الله و آله اجمعين، الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا ان
هدينا الله (5).

پيش از اينكه وارد كار انتخابات شوراي مركزي و شوراي داوري بشويم، من به پيشنهاد ستاد
برگزاري مراسم كنگره مطالبي را در رابطه با اين كنگره و به طور كلي مسائل حزب با برادران و
خواهران، برگزيدگان حوزه ها و نيروهاي حزب جمهوري اسلامي، و شخصيتهاي با ارزش انقلاب و
جمهوري اسلامي مطرح مي كنم.

ابتدائاً بايد از زحماتي كه دست اندركاران برگزاري اين كنگره متحمل شدند تشكر و قدرداني كنيم.
ما با توجه به امكانات بسيار ضعيفي كه حزب جمهوري اسلامي دارد، پيش بيني مي كرديم كه در
برگزاري اين كنگره دچار مشكلات فراواني خواهيم بود. البته كمّي مشكلات بروز كرد اما تلاش زياد
برادرانمان اين مشكلات را كمتر از آنچه كه ما تصور مي كرديم نشان داد. شما خودتان مي دانيد حضور
يك جمعي مثل شما كه در اين مملكت دشمن زياد داريد، از اول جزو اهداف درجه اول ضدانقلاب
بوديد و براي فرد _ فرد شما، دشمن حساب خاصي باز مي كرد تا چه برسد به اجتماع شما. اين مایه
اضطراب خاطر ما بود كه اين جمع كثير را چگونه جمع كنيم و از آفات احتمالي حفظ كنيم. مراكمي هم
در شهر بود كه مي شد از آنجا استفاده كرد ولي برنامه حزب جمهوري اسلامي از اول اين بوده كه از
امكانات دولتي كمتر استفاده كند. حزب روي پاي خودش بايستد. اينجا را كه انتخاب كرديم با ادله اي،
با آنچه كه منظور نظر ما بود، تطبيق مي كرد ولي مشكلات اضافي هم بر كار كنگره اضافه كرد. چون
اينجا هيچ امكاني براي اداره جلسات و پذيرايي از ميهمانان و كارهاي فرهنگي كه لازم بود بشود،
نداشت حتي دستگاه پخش صوتي هم اينجا نبود كه خود اينها خيلي وقت گير بود و مي دانيد حالا
اينها خيلي بحث ندارد.

گروه ديگري كه زحمت كشيدند براي اين كنگره، برادران پاسدار بودند، پاسداران انقلاب اسلامي
كه ما از اول تا به حال بخش عظيمي از امنيتمان را مرهون فداكاريهاي آنها بوديم، در اينجا هم اين
محبت را كردند بدون اينكه هيچ اجباري داشته باشند. با ميل خودشان استقبال كردند. مخصوصاً
پاسداران مسوول بيت امام كه مسووليتشان حفاظت از منطقه جماران و بيت است، مسووليت

مضاعف پذیرفتند و وقت زیادی مصرف کردند.

امیدواریم که همه‌مان با رضایت خاطر از برگزار کنندگان و از خدمه و از پاسداران و از همه دست اندرکاران بتوانیم این کنگره را تمام کنیم.

اما مسائلی که در مورد حزب باید خدمتتان عرض کنم تا برسیم به مسائل خاص این کنگره. ما از روزهای اول که دم از تحزب و تشکل برای مسلمانها می‌زدیم، همیشه یکی از اهداف بسیار مقدسی که در نظرمان بود و هنوز هم آن تقدس خودش را به همان شکل اولی حفظ کرده، این بوده که نیروهای پراکنده و استعدادهاي بسیار فراوان مخلصي که در سراسر دنيای اسلام و فعلا در درجه اول در کشور خودمان وجود دارد، به يك شکلي اينها را هماهنگ و هم سو و همراه بکنیم و از پراکنده‌کاریها جلوگیری بکنیم، تعلیمات یکنواخت و مناسب با زمان به آنها داده شود و به جاي این که اينها همدیگر را خنثي کنند، هماهنگ و متحد شوند و آن نیروی عظیمي که فکر می‌کنیم در نهاد این ملت و این مجموعه نهفته است يك شکل قابل قبول بگیرد این هدف اساسي ما است.

البته جریاناتي هست که تاحدي این هدف را تامین می‌کند اما این تشکل مطلوب را ندارد مثل روحانیت به عنوان يك نهاد بسیار مقدس و عمیق و ریشه داري این مسوولیت را در طول تاریخ شیعه به عهده داشته و این کار را کرده و خوب هم کرده اما برادران روحاني که در این مجلس هستند و شماها خودتان و همه ماها خوب می‌دانیم که آن تشکل مطلوب و آن انسجام و هماهنگی مطلوب، نه در برنامه‌ها است و نه در تبلیغات و نه در موضع گیریها، و نمی‌شود، چون مشورت لازم در جاي لازم نمی‌شود، ضرورتی نمی‌بینند، امکانش هم در وضع موجود نیست سلیقه‌ها، اختلاف فهمها، اختلاف درک‌ها و مسائل دیگری که خودمان می‌دانیم، باعث می‌شود که آن تشکل واقعي به دست نیاید. گرچه با همان تشکل طبیعی روحاني که ما داریم ما موفق شدیم که این انقلاب را پیروز کنیم و من در تحلیل‌های متعددی تا به حال گفته‌ام که روحانیت بخشي از خواص و ویژگیهای تحزب را دارد که همان بخش، این امکانات را در اختیار ما گذاشته و اگر تمام آن شرایط تحزب را داشت، روحانیت چیز بسیار عظیمي بود برای این عمل. انتظار ما این است افرادی که در این حزب جمع می‌شوند کم‌کم از لحاظ روحی همان خواص روحانیون را داشته باشند و از لحاظ اطلاعات همان، و از لحاظ کارکرد و نظم هم يك چیزهایی تهیه کنیم و به دست بیاوریم در حزب که امتیاز باشد و باعث استفاده‌های بیشتری شود. این کار هدف بسیار مقدسی است و این هدف باید به هیچ چیز آلوده نشود و مخلصانه دنبال شود تا اینکه بتواند کار خودش را بکند. اگر غیر از این باشد این حرکت شکست خواهد خورد و زحماتی که کشیده شده و شهادتی که دادیم و وقتیایی که در حساسترین موقع (که ما برای لحظات و قمتان ارزشهای غیرقابل حد قائل بوده‌ایم) به خاطر مسائل انقلاب صرف حزب کردیم همه اینها هدر خواهد رفت بنابراین هدف این است و حزب برای این به وجود آمده.

برای چنین منظوري اولین سرمایه‌ای که لازم است در این کار به کار گرفته شود اخلاص نیروهای حزبی است و خدای ناکرده اگر آن خلوص نباشد و اگر هدف آلوده شود به اهداف مادی و تمایلات شخصی و شرک‌آلود شود باز ضربه می‌خوریم و ما را از هدفمان دور می‌کند. اصلا پایه تحزب از دید (من کار ندارم دنیا به تحزب به چه عنوان نگاه می‌کند، به عنوان يك پلکان ترقی یا به عنوان هر چیز دیگری) ما که می‌خواهیم حزب در محیط اسلامی و با داشتن رهبری، ولایت فقیه، روحانیت، مجلس و همه نهادهای کشور، باز می‌خواهیم حزب تشکیل بدهیم، هدف ما و آن مطلبي که ما دنبالش هستیم آن چیزی است که این ویژگی را لازم دارد، باید نهایت اخلاص در آن باشد عرض کردم شرک آلود نباشد. حزب و تشکیلات به عنوان وسیله رسیدن به اهداف اسلامی انتخاب شود و اگر این هدف باشد، ما باید خودمان را در تشکیلات ذوب کنیم یعنی شخصیت خودمان را فراموش کنیم تشخص خودمان را فراموش کنیم و تشخص حزب برای ما يك اصالتی پیدا کند. در رابطه باخودمان، من در رابطه با همه کس و همه چیز نمی‌گویم یعنی اگر حزب را شما در کل مقایسه کنید، مثلاً انقلاب، من می‌گویم «حزب» باید در «انقلاب» ذوب شود، اگر مقایسه کنید حزب را با اسلام من می‌گویم «انقلاب» و «حزب» هر دوشان باید در «اسلام» ذوب شوند. اما وقتی که خودمان را با حزب مقایسه می‌کنیم اگر بنا است حزب جدي داشته باشیم باید اساس بر این باشد که ما در حزب ذوب بشویم. یعنی آدم وقتی که وارد این تشکیلات می‌شود به این فکر نباشد که ما می‌آییم در تشکیلات که يك پله برای بالا رفتن باشد. مگر این که بالا رفتن، خودش هدف باشد. یعنی يك آدم فکر کند که می‌روم آنجا که خدمت بکنم، استعدادم را آنجا بروز بدهم، این باز تقدس پیدا می‌کند. که گاهی ما مسابقه‌ها را و چیزها را این جور توجه می‌کنیم که می‌گوییم افراد فکر می‌کنند چون خودشان بهتر می‌توانند خدمت کنند دست به این مسابقه‌ها می‌زنند به هرحال قابل قبول است برای ما که ما مسابقه داشته باشیم. باری این که در يك پستی بهتر بتوانیم خدمت کنیم اما شرطش این است واقعا این فکر مخلصانه باشد. بین خودمان و خدا، خودمان می‌دانیم برای چه داریم دست به این

تسابق می‌زنیم. به هر حال با این روحیه امیدواریم کسانی که وارد حزب شدند، با این روحیه باشند و اگر نیستند از همین حالا خودشان را اصلاح کنند و اگر نمی‌توانند اصلاح بکنند، به خاطر خدا و به خاطر حق کار دیگری را انتخاب کنند و راهی دیگر بروند که اینجا این مشکل پیش نیاید. برادران و خواهران، من یکی از مشکلاتی که از اول می‌ترسیدم و هنوز هم کمی خائفم این است، ما در قدیم در زمان طاغوت تحلیل‌هایی که درباره حزب می‌کردیم همیشه می‌گفتیم حزبی که از طرف هیأت حاکمه و در جهت حکومت تأسیس شود، این حزب نمی‌تواند ریشه‌دار و عمیق باشد به خاطر این که اغراض مادی و دنیاطلبی و قدرت‌طلبی، خیلی‌ها را جذب می‌کند که اینها با ریشه در این حزب نمی‌آیند و مثل می‌زدیم به حزب رستاخیز که يك دفعه آن همه نیرو در حزب رستاخیز اسم نوشت، کانون‌ها درست شد و وقتی که بنا شد از هم به پیاپی مثل يك کرباسی از هم دریده شده هیچ اثری نماند و غیر از نکت برای افراد و مسوولانش نداشت. آنچه ما از آن خائف بودیم این بود که حزب جمهوری اسلامی وقتی که اعلام شود آنهم از طرف ماها که در نقطه قدرت و هرم قدرت شناخته شده بودیم، نزدیک به امام بودیم، در شورای انقلاب بودیم طبعاً به طور طبیعی افراد که فرصت طلب بودند به طرف حزب می‌آمدند، این قابل انکار نیست و شاهدش هم آن اسم نویسی‌های روز اول که مخلوطی از افراد مختلف بود. حزبی که در موقع مشکلات، تأسیس شود، این جور نیست، برای این که کسانی می‌آیند به حزب که آمده‌اند مشکلات را تحمل کنند و خیلی هم اگر آلوده فکر کنند و دوراندیش باشند، می‌گویند در آینده این حزب به جایی برسیم، لااقل يك دوره مشکلی را باید پشت سر بگذارد.

حزب جمهوری اسلامی در بدو تأسیسش این مشکل را داشت که ممکن بود افراد فرصت طلب بیایند و این حزب را آلوده بکنند و یکی از مشکلات ما در تاریخ این حزب هم همین بود. ما در شهرستانها، در دفترهایمان، در تهران، در حوزه‌هایمان حتی در مرکزمان افرادی پیدا می‌شدند که آنها صالح نبودند و راه اتهام هم خیلی آسان بود، انحصار طلب، قدرت طلب، حزب حاکم، این چیزها را به ما می‌گفتند و از همین مقطع هم، از همین مسیر هم بسیاری از زحمات ما از بین می‌رفت یعنی ما متهم بودیم به این که حزب حاکم هستیم و چون حزب حاکم بودیم، همه کمبودهای انقلاب را به پای ما می‌نوشتند، هر دردی که انقلاب پیدا می‌کرد حزب جمهوری اسلامی در رسانه‌های مخالفان متهم می‌شد که مسوولش این است. مثلاً حکومت لیبرالها، حکومت دولت موقت، خوب شما می‌دانید چقدر از حزب جمهوری اسلامی را در کادرهای اساسی اجرایی داشت، در وزرا، در معاونین، در مدیرکل‌ها، استاندارها، فرماندارها، در ارتش، در هرجا، نبودیم ما. ما در شورای انقلاب بودیم اما کارها که دست شورای انقلاب نبود، کار عمده ما آنجا این بود که مشکلات قانونی و سیاسی را برطرف کنیم که مجریان بتوانند کار بکنند. درعین حال زبان‌های مخالف بدی‌ها را می‌ریختند به سر حزب جمهوری اسلامی و دم از دولت موقت حتی به عنوان نهضت آزادی نمی‌زدند، به نام ما ثبت می‌کردند، این مشکلات را هم ما داشتیم.

ما دوره بسیار سختی را پشت سر گذراندیم علی‌رغم این که در مرکز قدرت هم بودیم افرادی از این حزب در مرکز قدرت بودند، اما برای حزب و اعتبار حزب مشکلات داشتیم، از يك طرف از امکانات دولتی استفاده نمی‌کردیم که دلیلش همین کنگره است که دارید می‌بینید و دلیلش خود شماها هستید که در شهرستانها می‌دانید که چگونه زندگی می‌کنید، چه جاهایی دارید، چه امکاناتی دارید. همه نهادهای انقلاب بودجه عظیم در اختیارشان است برای نشریاتشان، برای رفت و آمدشان، برای کارهای مختلف تبلیغاتی‌شان ولی ما از اینها چه داریم و چه استفاده می‌کنیم يك هزارم آنها، نهادهای بزرگ ما از امکانات دولت استفاده نمی‌کنیم و نمی‌خواهیم هم بکنیم، بنای ما بر این نبوده، مشکلات انقلاب را تحمل می‌کنیم و قبول می‌کنیم بناممان تمام شود، عیبی ندارد چون برای ما فرق نمی‌کند، ما بنا است در انقلاب ذوب شویم، ما جمهوری اسلامی را اصل می‌دانیم و حزب را الان فرع می‌دانیم و بنابر این اگر بگویند که حزب جمهوری اسلامی بد کرده و یا بگویند اصل انقلاب بد کرده، ما ترجیح می‌دهیم بگویند حزب جمهوری اسلامی بد کرده برای اینکه اصل انقلاب محفوظ باشد هیچی نیست، ما قبول می‌کنیم و خوب هم قبول می‌کنیم.

بنابراین ما این راه مشکل را طی کردیم و مشکلات دیگری هم که شما می‌دانید خودمان را به این جاها رساندیم و امروز این، اولین کنگره را موفق شدیم و از نیروهایی که بنده نباید قضاوت کنم، شما که با هم محشورید باید قضاوت کنید، تا آنجایی که ما می‌شناسیم نیروهای مخلص خوب با ارزشی هستند که می‌توانند پایه حرکت صحیحی را بگذارند، کم هم نیستند، شما جمعیت عظیم، نماینده بخش عظیمی از این جامعه بزرگ انقلابی هستید که اینجا آمده‌اید و بنابراین پایه يك حرکت بسیار قوی را از این به بعد می‌توانید تحکیم کنید که این چهارسال هم پشت سر افتخارات قابل توجهی است. شرطش این است که از این به بعد اگر در گذشته نبوده که شماها لااقل بودید، تصمیم بگیریم

که حتی بیشتر از گذشته مصالح شخصی‌مان را فدای مصالح حزب بکنیم که حزب را هم فدای انقلاب می‌کنیم و انقلاب را هم فدای اسلام می‌کنیم. این سلسله مراتب محفوظ است این تصمیم را داشته باشیم، در روابطمان، در شغل پذیری‌مان، در سمت پذیری‌مان، در حزب، در انتخابات مان، در آراءمان و در هر کاری که می‌خواهید انجام بدهید به عنوان يك نفر حزبی این حالت را حفظ کنید. اگر این حالت را حفظ کنید، پایه این حزب خیلی محکم می‌شود. به طور نسبی ما تصفیه شده‌ایم و در آینده هم باز باید تصفیه بشویم. ما ممکن است هوادار خیلی زیادی داشته باشیم، صحبت چند میلیون است، هواداران ما از چند صد و چند هزار گذشته اما کادرها اگر مخلص حرکت کنند و کم هم باشند آن هوادارها را می‌توانند همیشه حفظ کنند ولی اگر کادرها زیاد باشند و مخلص نباشند، هوادارها را می‌پاشانند و آنها را متلاشی می‌کنند. بر این اساس خط حزب باید روشن باشد و راه حزب باید روشن باشد ما باید طوری رفتار کنیم، شما دبیرهای شهرستانها و نماینده‌های حوزه‌ها هستید، اینجا آمده‌اید و برمی‌گردید با بچه‌های حزبی رابطه دارید، توصیه ما به شما این است آنجا که می‌روید در محیط حزبی‌تان که هستید، باید طوری رفتار کنید که این اخلاص و این صمیمت و این ذوب شدن در مصالح جمع و این فداکاری از سراسر زندگی ما در محیط حزب و در محیط خارج از حزب بدرخشد و نتوانند ما را متهم کنند، البته ما نیستیم اما کسانی پیدا نشوند که يك کاری بکنند که بشود ما را متهم کرد یا ما می‌خواهیم گروه‌گرایی به آن معنا بکنیم گروه‌گرایی به يك معنا تعصبات حزبی عیب ندارد، انسان نسبت به افراد مخلصی که همراهش هستند، هم هدفش هستند، باید تعصب داشته باشد، باید نسبت به اینها يك سمپاتی بیشتری داشته باشد باید برای آنها بیشتر تلاش کند و باید بر همکاری راه بروند این خوب است، همان طور که مادر اسلام هم این طوری هستیم اما این معنایش این نیست که کسانی که تشخیص ندادند کسانی که نتوانستند درك بکنند ارزش حزب را کسانی که این مسئله برایشان روشن نیست، حالا به هر دلیل، به خاطر سابقه تاریخی بد تحزب در ایران و جاهای دیگر به خاطر این فرهنگ زشتی که امروز بر جامعه ما حاکم است، هرکس می‌خواهد از خودش تعریف بکند می‌گوید من عضو هیچ حزب و گروه و هیچ دسته‌ای نیستم و خیال می‌کند این يك افتخار است و يك ضعفی را به عنوان يك افتخار به پیشانی‌اش می‌زند و جامعه هم این را در بعضی از موارد می‌پذیرد. در چنین محیطی هنوز هستند افرادی که ارزش تحزب را و تشکل را درك نکرده‌اند و آدمهای خوبی هستند.

بنابراین اساس کار ما بر این نیست که هرچا هستیم با کسانی که در حزب با ما نیستند حالت مماشات نداشته باشیم یا از آنها استفاده نکنیم یا صلاحیتهای آنها را نادیده بگیریم. حزب جمهوری اسلامی از افتخاراتش این بود، اولین باری که بنا شد حزب نخست وزیر معرفی کند ما مرحوم شهید رجایی را معرفی کردیم. در همین شورای مرکزی رای‌گیری کردیم آرایي که داده شد، شهید رجایی حزبی نبود، کاندیدای حزبی هم داشتیم، من حالا رقم یادم نیست فکر می‌کنم مثلاً 40 امتیاز آفای رجایی آورد و 30 امتیاز یکی دیگر آورد، 25 امتیاز یکی دیگر آورد، حزبی‌ها مان کمتر از آنها آوردند علتش هم این بود که همین روح در ما حاکم بود و بنای ما بر این بود. الان هم اگر انتخاب شغل باشد، انتخاب سمت باشد ما باید این جوری برخورد کنیم، افراد اصلح اگر دیدید به آنها واگذار کنید. البته ما خود تحزب را يك امتیاز می‌دانیم یعنی در حزب جمهوری اسلامی بودن يك امتیاز است اگر دو نفر مساوی دیدیم، یکیشان حزبی بود و یکی نبود، این به خاطر امتیاز درك ارزش تشکل، يك امتیاز دارد، ارزش است برای ما، ما می‌توانیم امتیاز قرار بدهیم ولی با توجه به این امتیاز اگر امتیازات دیگری دیدید، این حالت در شما محفوظ باشد که ما متهم به تعصب نشویم. البته درعین این که ما چنین حالتی داریم ما را متهم می‌کنند. همین حالا از گوشه و کنار افرادی پیدا می‌شوند یا با کنایه یا با صراحت می‌گویند که حزب جمهوری اسلامی فقط خودش را می‌بیند دیگران را در نظر نمی‌آورد، این تهمت است! این ظلمی است که دارد به ما می‌شود و البته ما آنهایی که اشتباه می‌کنند می‌بخشیم و آنهایی هم که مغرضند و می‌خواهند متهم کنند خوب حسابشان با خدا است و تشکیلاتی را متهم کردن گناه بزرگی است.

مسئله دیگر اینکه برادران و خواهران حزبی توجه داشته باشند که گاهی اعمال آنها در يك محیط کوچک انجام می‌شود و خیال می‌کند چیزی نیست اما این عمل در جاهای دیگر که منعکس می‌شود به صورت يك خطر برای حزب تلقی می‌شود. من خیلی صریح صحبت می‌کنم برای این که حرفها را باید به بچه‌های حزبی منتقل کرد و این مشکل از سر راه ما برداشته شود. الان در شهرستانها جاهایی هست، مثلاً امام جمعه‌های خوبی هستند که آنها به يك دلیلی یا با حزب نیستند یا با افرادی که در حزب هستند خوب نیستند، ارتباطی ندارند با هم، دعواهای آنها يك جوری منعکس می‌شود در مبادی عالی این انقلاب؛ امام جمعه شکایت می‌نویسد. مثلاً به امام یا به جای دیگری که حزب جمهوری اسلامی این شخص ما را اذیت می‌کند. شما فکر کنید اگر ده شکایت از چند امام

جمعه، یا در ده ملاقات از ائمه جمعه یا دیگران به امام برسد چه می‌شود؟ شما اگر ذره‌ای تردید در روح بزرگ امام برای این تشکیلاتی که سر تا پا مخلص امام و در خدمت امام است و ولایت فقیه را نقطه اوج و مرکز تصمیم‌گیری خود می‌داند، اگر يك عمل شما ذره‌ای تردید در روح امام ایجاد کند چه خسارتی به حزب زده‌اید و چه خدمتی باید بکنید که این را جبران کند. بنابراین بسیار مواظب باشید که يك جاهایی هست، شما باید دست پایین را بگیرید، باید مراعات بکنید، يك جایی است مظلوم هم می‌شوید، کوتاه بیايد، برای این که این خطر، شما با يك جمعی دارید کار می‌کنید اما کار کوچک شما ضربه‌اش به همه این حزب منتقل می‌شود. پس این مظلومیت را تحمل کنید به خاطر این که بقیه حزب آسیب نبیند. از طرفی این را هم من بگویم این طور هم نیست همان طور که قبلا گفتم تمام کسانی که خارج از حزبند اینها آدمهای ناشایسته‌ای که نیستند آدمهای حسابی هستند با اینها می‌شود همکاری کرد، می‌شود دوستی کرد، می‌شود با آنها تفاهم کرد، سعی‌تان بر این باشد تفاهم کنید با مسوولان کشور، خوب آنها مسوولند شما اگر مسوولیت اجرایی ندارید سعی کنید در حد امکان همکاری بکنید. نمی‌گویم خط را زیر پا بگذارید نمی‌گویم اصول را زیر پا بگذارید، نمی‌گویم يك آدم ناشایسته‌ای را ترویج کنید، این حرف نیست، موارد خیلی فرق می‌کند. باید موارد را پیدا کنید به هرحال دقیق و رقیق برخورد کنید که اعتبار حزب صدمه نبیند و بی‌جهت هم برای حزب مشکل درست نشود.

مسئله دیگری که ما داریم که من خوب احساس می‌کنم، برادران و خواهران حزبی ما هنوز خودشان حزب را آن طوری که باید جدی نگرفته‌اند، یعنی به دلیل اینکه مراکزی از قدرت دست کسانی هست که در این حزبند اینها هنوز در ذهنشان و در آن زوایای وجودشان هست که خوب این حزب امکانات فراوان دارد و تلاش لازم را نمی‌کنند، در حزب جمهوری اسلامی ذوب نشده‌اند، حزب جمهوری اسلامی نباید مشکلات مالی داشته باشد. ما برای این کنگره وقتی که خواستیم برگزار کنیم، پول نداشتیم رفتیم خدمت امام پول گرفتیم برای خیلی چیزها پول نداشتیم، يك مبلغی از ایشان گرفتیم، که يك مقدارش را هم خرج این کنگره بکنیم مقادیر زیادی مقروضیم. این درست نیست که ما مثلا بگویم چون نخست وزیر حزبی است، خوب يك مبلغی از بودجه‌های دولت بدهند حزب را اداره بکند، البته حزب چنین استحقاقی دارد چون ما همه زندگیمان در خدمت انقلاب است نه این که ندارد ولی اصولی نیست. این گروه، که الان اینجا است و همه دوستانان در سراسر کشور تحقیقا هر روز مقدار زیادی از بارهای سنگین دولت را دارند به دوش می‌کشند و حتما استحقاق دارند که از امکانات هم استفاده بشود. ولی حزبی که از امکانات دولتی استفاده کند، خودکفا نمی‌شود و قوی نمی‌شود. شماها باید در حوزه‌ها سعی کنید روی پای خودتان بایستید، کمک به مرکز بکنید، يك بخشی از درآمد شماها باید به مرکز برسد نه این که ما از مرکز پول تهیه کنیم بفرستیم به شهرستان‌ها، چون کارهای عمده حزب در مرکز انجام می‌شود، خرج این کنگره را که مربوط به همه حزب است، مرکز دارد می‌دهد و کارهای عمده تبلیغات را مرکز انجام می‌دهد، این است که ما باید با هم جدیت بیشتری داشته باشیم، در امور مالی، در وقت گذاری، خب شماها، ماها را ببینید برای حزب چه قدر وقت می‌گذاریم. خوب دیگر روشن است که ما چه قدر گرفتاریم، بنده، حضرت آیت الله خامنه‌ای، آقای مهندس موسوی، آیت الله ربانی، آقای ناطق، آقایان دیگر که در این جلسه هستند چه مقدار داریم وقت برای حزب مصرف می‌کنیم، در صورتی که گرفتاریهای ما خیلی زیاد است. شورای مرکزی را داریم، کارهای متفرق، مراجعات داریم، ملاقاتهای بچه‌های حزبی را در سراسر کشور داریم، درس می‌دهیم، مشکلاتشان را حل می‌کنیم، دنبال کارهای مالی می‌رویم و مقدار زیادی وقت مصرف می‌کنیم، شماها هم همین مقداری که ماها داریم وقت مصرف می‌کنیم اگر مصرف کنید يك وقت زیادی در راه حزب دارد خرج می‌شود و این کار را بکنید اگر می‌خواهیم يك حزب واقعا کاری بکند، این کارها باید بشود.

در رابطه با همین مطلب من در مقدمه انتخابات يك نصیحتی عرض می‌کنم خدمت خواهران و برادران بر اساس همین بحثی که کردم در انتخابات آقایان و خانمها با وجدانشان رای عقیدتی بدهند یعنی وقتی که می‌خواهید رای بدهید يك بار دیگر هم در این جلسه گفته‌ام به وجدانتان مراجعه کنید، ببینید چه کسی برای حزب مفیدتر است خودتان یا دیگری اینکه با خط شما می‌خواند یا نمی‌خواند، این که رفیق شما هست یا نیست این که فلان روز باهم درگیری داشتید، اینها بخواهد تاثیر بگذارد روی رای شما، این از ارزش رای‌تان و کار حزبی‌تان و از اخلاص‌تان می‌کاهد.

من همین جا تاکید می‌کنم مسوولیت در حزب جمهوری اسلامی هیچ آتش دهن سوزی الان نیست یعنی این برادران ما که حالا در شورای مرکزی یا جاهای دیگر کار می‌کنند، خوب اینها هر یکی شان را ما از اینجا آزادشان بکنیم، می‌توانند بروند وزیر باشند، وکیل باشند، می‌توانند بروند مدیرکل باشند، استاندار باشند، فرماندار باشند، کارهای مختلفی را می‌توانند بگیرند، اینهایی که الان زحمت

می‌کشند و زیاد کار می‌کنند، می‌توانند بروند کار اجرایی کنند و کارهای اجرایی هم سرگرم کننده‌تر است و هم به انسان بیشتر قدرت می‌دهد تا آدم بنشیند در یک گوشه حزب و کارهای فرهنگی و این طور چیزهایی که در کنارش هست بکند مگر آنهایی که ذاتا ذوق کار فرهنگی دارند که لذت می‌برند از این طور چیزها، بنابراین کار خاصی نیست که آدم به خاطر این، فکر و عقیده‌اش و راه خدا را ندیده بگیرد. مخلصانه آنچه تشخیص می‌دهید، خوب شما لابد در این چند روز فهمیده‌اید شاید در ذهن شما منتظر بودید که از طرف ماها یک جوری خط داده شود، کاندید معین شود، دیدید ما هیچ کارها را نکردیم، ما مایلیم شما با فکر خودتان عمل کنید، روی پای خودتان باشید ما اسم کسی را به شما نگفتیم، از این حدود صد نفری که الان کاندید شدند من نمی‌دانم چندتایشان استعفا کردند اینکه دست ما رسیده، ما آنهایی را که تایید کردیم و فرستادیم و تقریبا همه تایید کردیم برای اینکه در آنها عیبی ندیدیم آنهایی که استعفا دادند، خودشان استعفا دادند، آنهایی هم که ماندند هستند و اینها شما شناسایی دارید، مطالعه کردید مشورت کردید آنچه که تشخیص دادید خواهید گفت. ما امیدواریم که از این کنگره که کارمان تمام می‌شود حزب جمهوری اسلامی وارد یک مرحله جدیدی از کار حزبی شود. یعنی شما تشخیص دادید که آمدید این جا همه چیز را خودتان انتخاب کردید و رای دادید، آیین نامه‌ها، اساسنامه، هر جور خودتان خواستید بلند شدید رای دادید، خواستید رای ندادید، به این نقطه رسیدیم و ان شاء الله که در آینده هم این روح آزادیخواهی و توجه به افکار دیگران در بین ما محفوظ بماند که بتوانیم رشد کنیم. از خداوند متعال تقاضا می‌کنم که به ما توفیق بدهد در این شکل اسلامی موفق شویم که رضایت خداوند را، رضایت امام زمان را و رضایت رهبر عالیقدر امام امت را و رضایت مردم مسلمان انقلابی‌مان را و رضایت ارواح شهدایمان را جلب بکنیم. ان شاء الله

تا مگر کنگره‌ای دیگر

سخنرانی پایانی نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی توسط حضرت آیت الله خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله با تشکیل شورای مرکزی جدید حزب با نفس جدیدی که از اجتماع شما پیدا کرده است خون جدیدی خواهد یافت و حرکت تازه‌ای را آغاز خواهد کرد. که میزان حرکت جدید آن مربوط به شما اعضا می‌باشد. منتظر این نباید باشید که کارها همه از مرکز آغاز شود بلکه شما باید به مرکز کمک کنید شما باید با رابطه‌های سالم حزبی با مرکز ارتباط برقرار کنید و مرکز حزب را به حرکت و فعالیت و تلاش سالم وادار کنید!

انگیزه‌های شما، اندیشه‌ها و حرکت‌هایتان می‌تواند عناصری را که در مرکز حزب قرار گرفته‌اند راهنمایی کند و به حرکت وا دارد. شما نباید فقط در هنگامه جریان‌ات حضور خود را لازم بدانید بلکه حضور شما همیشه لازم است... این حرکت و راه به ما تنها وابسته نیست و بار آن را تنها ما به دوش نمی‌کشیم بلکه مدتی افتخارش به عهده ماست ولی باید بدانیم کسانی که کارشان را به طور شایسته انجام ندهند مسوولیت الهی بر زمین نمی‌ماند و کسان دیگری خواهند آمد و آن بار را به مقصد می‌رسانند...

برای داشتن افتخار کشیدن این مسوولیت باید خصوصیات لازم را دارا باشیم تا بتوانیم با بهره‌گیری از عنایات الهی توفیق رساندن بار به مقصد را داشته باشیم و صحبت از دوستی بنده با خدا اولین شرط آن است و خضوع در برابر مومنان شرط دیگری است که می‌تواند برای ما یک دستور حزبی و تشکیلاتی به حساب آید، بطوری که در برابر کسی تکبر نکنیم و با مومنان حزبی و غیرحزبی و همه آنهایی که مومن هستند و حتی از روی شیبهاتی ممکن است با حزب خوب نباشند آگاهانه برخورد کنید و هرگز دشمنی علیه آنها نورزید. ما باید در برابر مخالفان عزت و عظمت خود را حفظ کنیم و در راه خدا تلاش کنیم. نه در راه حزب مجرد از خدا و انقلاب اسلامی. حزبی که از خدا و انقلاب اسلامی خالی باشد حزب شیطان است و به درد ما نمی‌خورد...

این حزب باید وسیله دعوت به خدا باشد و کانالی از اعماق جامعه به سوی خدا ایجاد کند که خون الهی را در رگهای جامعه بدواند. حزب را برای شخص خود و منیت‌ها نمی‌خواهیم ما در حزب ذوب می‌شویم در صورتی که در انقلاب اسلامی ذوب شود و در خدمت انقلاب اسلامی قرار گیرد. کسانی را که حاضرند حرکت خدایسندانه رساندن پیام بعثت الهی به اعماق جامعه را به عهده بگیرند باید جذب کنید و از این طریق حرکت فی سبیل الله خود را تداوم بخشیم اگر حرکت ما این گونه شد از ملامت هیچ ملامتگری نمی‌هراسیم!... دوران سختی را گذرانده‌ایم که طی فشارهای مشقت باری را که روی حزب می‌آوردند تحمل کردیم که شهید مظلوم بهشتی استوار و مستحکم و شکست‌ناپذیر شخصیت پولادین حزب جمهوری اسلامی، آن مومن به خدا، آن مسلمان با شخصیت در برابر آن همه مشکلات به مقاومت پرداخت. مقاومت شهید مظلوم بهشتی باید شیوه و سیره آینده حزب ما باشد و همان طور که مورد رضای خداست عمل کنیم که او مقاومت کرد، از هیچ ملامت و ملامتگری نترسیم و بدانیم به‌آنچه مورد رضای خداست عمل کنیم. باید رضای خدا را درست تشخیص بدهیم تا خدای نکرده لج بازی‌ها جای تشخیص‌های درست را نگیرد. در استانها، شهرها، بخشها و گوشه و کنارکشورمان با مردم محلمان، امت حزب الله، کارگذار آن جامعه ائمه جمعه، مسوولان حکومتی مهربانانه، مشفقانه و ناصحانه برخورد کنیم. این يك تكليف است و تخطي از آن، تخطي از يك وظیفه است. نه به عنوان يك وظیفه به عنوان يك تخلف شرعی به حساب می‌آید.

از دلاوریهای بزرگ مردان حزب جمهوری اسلامی در راه تداوم انقلاب اسلامی و برپایی دین حق که با خون خود تداوم انقلاب اسلامی را سرعت بخشیدند به ویژه شهید مظلوم آیت الله بهشتی و یاران با وفایش در قتلگاه حزب جمهوری اسلامی و شهید دکتر باهنر، را قدر می‌نهیم. و ضمن آرزوی پیروزی و نصرت برای سپاهیان و رزمندگان دلیر اسلام در مصاف با دشمن، یاد همه شهیدان به خون خفته انقلاب اسلامی را گرامی می‌داریم.

1- شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی

2- بنی صدر

3- بنی صدر

4- ان ذلك لحق تخاصم اهل النار، ص 64

5- سوره اعراف، آیه 43